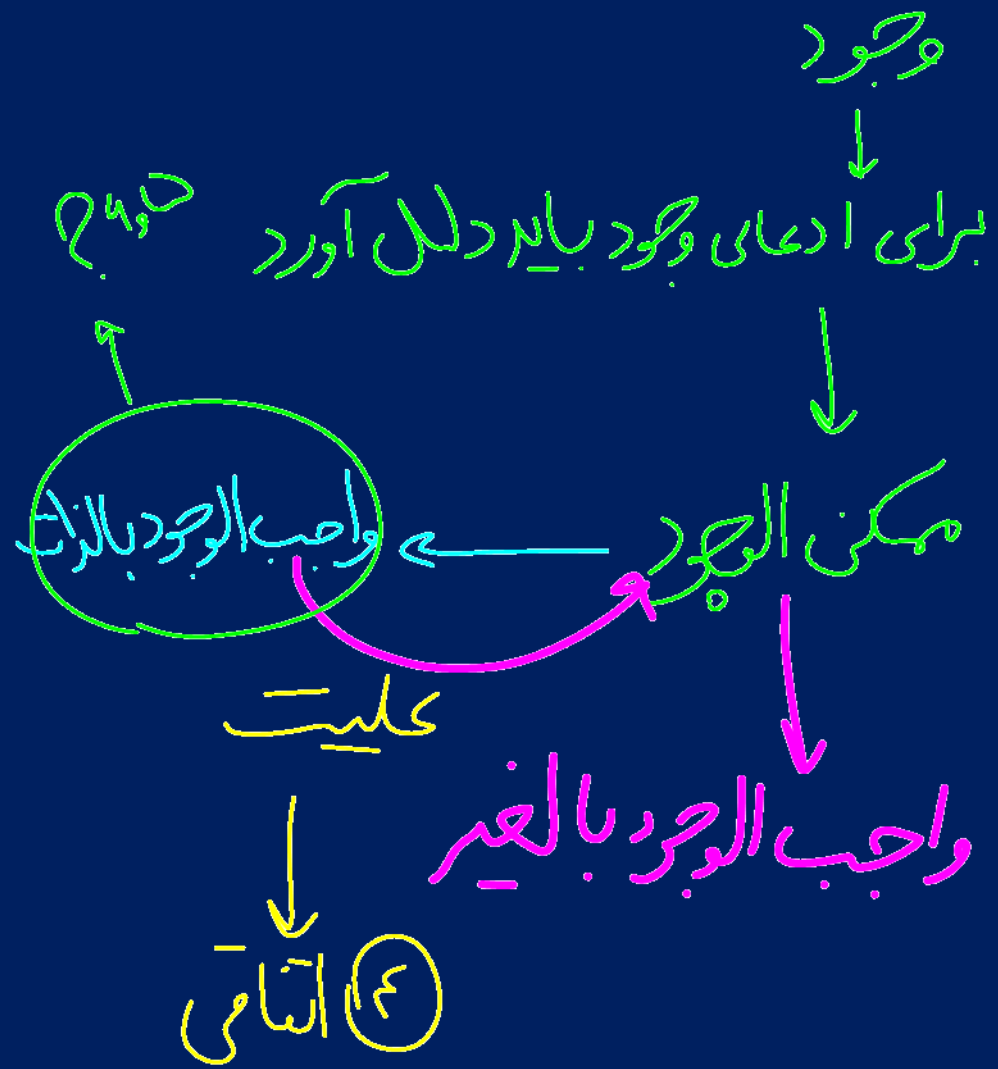




 Sakko_edu

 Sakko_edu2

درس اول



وجود (هستی)

ماهیت (چیستی)

قدم اول

- وجود ✓ ← برای رفع نیاز از اشیا بیرون استفاده می کنیم
علم پیدا کردن

قدم دوم

وجود ✓ ماهیت؟
چیزی

تفاوت میان موجودات را می فهمیم

☆ هر آنچه مشاهده می کنیم دارای وجهی محسوس
«وجود» و «ماهیت» است

این/آن

☆ «وجود» وجه مشترک موجودات و «ماهیت»
وجه اختصاصی

قدم سوم

مغایرت وجود
و ماهیت →

★ اگر وجود و ماهیت عین هم یا جزئی از هم بودند
چه مشکلی پیش می آمد؟ هر آنچه تصویری کردیم
باید به وجود می آمد

آب ← شیمی ← اجزاء سازنده

فلسفه ← موجودی واحد است دارای دو جنبه وجود و ماهیت

دو مفهوم از یک مصداق

ظنی

حاج

وجود و ماهیت مستند و
جدا از هم هستند

وجود و ماهیت با هم
هستند اما یکی نیستند

قدم چهارم ^{شیخ افضل}

- تساوی
- × انسان متفکر است
 - × سبب میوه است
 - × آهن فلز است

مطلق

مطلق

قضیه

لے موضوع محمول نیست

لباسی آبی است ✓
مثلت شکل سه ضلعی است ×

مجموع زوایای داخلی مثلث 180° است ✓
زات

مثلت وجود دارد ✓

هر آنچه را بگویم وجود دارد
دلایل می خواهد

اجزاء تعریفی ← دلیل نمی خواهد (اولی ذاتی)

اجزاء تعریفی نیست ← دلیل می خواهد (تتابع صناعی)

تساوی

مطلق

عموماً من حیث

ابن سینا

بی نیاز از دلیل: محمول از اجزای تعریفی موضوع است

نیازمند دلیل: محمول از اجزای تعریفی موضوع نیست

درس دوم

وجوبی: موضوع باید محمول را بپذیرد مثبت شکل موضوعی است

محمول = وجود
→ واجب الوجود
→ ممکن الوجود
→ متنع الوجود

امکانی: موضوع می تواند محمول را بپذیرد (بِوَاقِعِ) است

امتناعی: موضوع نباید محمول را بپذیرد دایره دارای ضلع است

روابط
میان
قضایا

بِسْمِهَا ذَاتُ "مَكْنِ الْوُجُودِ"

ترازووی این سبنا

علیہ السلام
(۷)

واجب الوجود بالذات ← خدا

← واجب الوجود بالغیر ← موجودات

ممکن الوجود بالذات

← ممتنع الوجود بالغیر ← معاصم خیالی

وجود

ممتنع الوجود بالذات ← شریک خدا / هر رابطه امتناعی که بگویم وجود دارد
بدن آن ما محال است

بر اساس نسبت های سه گانه در قضایا ، جدول را کامل کنید. 1400 خرداد

الف : مجبوری	مثال برای رابطه امکانی	ج : امتناعی
عدد 25 فرد است	ب : (یا راسخه است)	مربع ، سه ضلعی است

سیاه و سفید - امکانی

رابطه وجود با هر یک از موضوعات زیر از نوع ضرورت است یا امکان یا امتناع ؟ 1400 شهریور

سیاه سفید	دریایی از جیوه	پرنده
الف : امتناعی	ب : امکانی	ج : امکانی

(ممکن الوجود)

(ممکن الوجود)

(ممتنع الوجود)

هر یک از موضوعات زیر را به لحاظ ، «واجب الوجود ، ممکن الوجود یا ممتنع الوجود» بودن مشخص کنید. 1402 خرداد

بزرگ کوچک	مورچه غول پیکر
الف ؟	ب ؟

ممتنع الوجود **ممکن الوجود**

هر یک از موارد ذکر شده در جدول ، واجب الوجود هستند یا ممکن الوجود یا ممتنع الوجود ؟ 1402 شهریور

شیرین شور	فضا پیما	هندوانه
الف : ممتنع الوجود	ب : ممکن الوجود	ج : ممکن الوجود

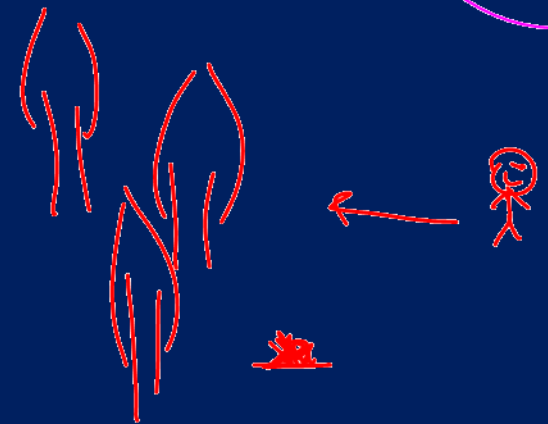
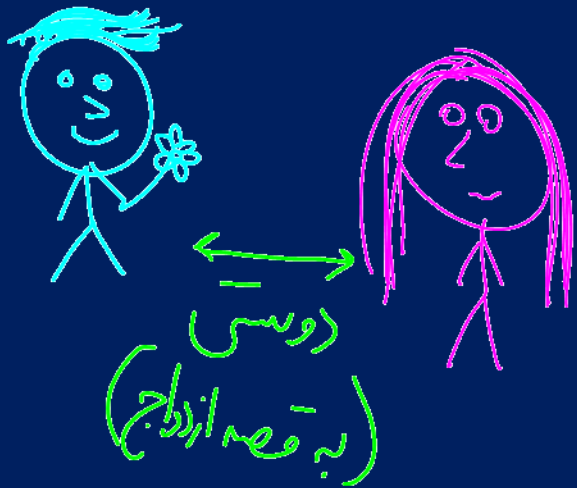
فارس و ساسان

رابطه علت: رابطه وجود بخشی علت به معلول

سایر روابط: دو طرف وجود دارند و سپس رابطه برقرار می کنند

اصل سنجیت: هر علت معلول خاص خود را پدید می آورد و هر معلول از علت خاص خودش صادر می شود

اصل وجوب: اگر علت با تمام ویژگی های خود باشد معلول نیز باید به وجود آید



منشاء درک رابطه علیت

دکارت: منشاء درک علیت فطری اما مصادیق آن تجربی است (علیت پایه و اساس هر تجربه)

تجربه گرایان: از طریق تجربه و مشاهده حسی می توان به ضرورت رابطه بین پدیده های متوالی رسید

هیوم: تنها راه شناخت تجربه است اما نمی توان با تجربه به ضرورت رابطه میان پدیده های متوالی رسید.

این تداعی علیت است که یک حالت روانی است

مسلمانان: علیت قاعده ای عقلی است که پس از شکل گیری ذهن انسان درک می کند که یک چیز نمی تواند هم باشد هم نباشد (اصل امتناع اجتماع نقیضین) و بعد از آن به درک رابطه علیت می رسد. اما مصادیق علیت تجربی است

علت

معلول

کردگی

۱

خواب به خواب وجودی است

کلید واژه بازی:

اصل علیت: ارتباط و پیوستگی

اصل سنخیت: کار خاص / برنامه ریزی / نظم / قانونمندی

اصل وجوب: ضرورت / حتمیت / تخلف ناپذیری

سوال:

۰.۷۵	با توجه به کلمات داخل کادر، دیدگاه های زیر مربوط به کدامیک از فلاسفه است؟ هیوم - تجربه گرایان - فلاسفه مسلمان - دکارت ۳ الف) درک رابطه ضروری علت و معلول از طریق حس و مشاهده توالی با همزمانی پدیده هاست. <i>تجربه گرایان</i> ب) اصل علت، جزء اصول اولیه ای است که به طور فطری درک می شود. <i>دکارت</i> ج) تداعی علت، یک حالت روانی ناشی از توالی پدیده هاست، نه چیز دیگر. <i>هیوم</i>	
------	---	--

فارسى ڇاپارم

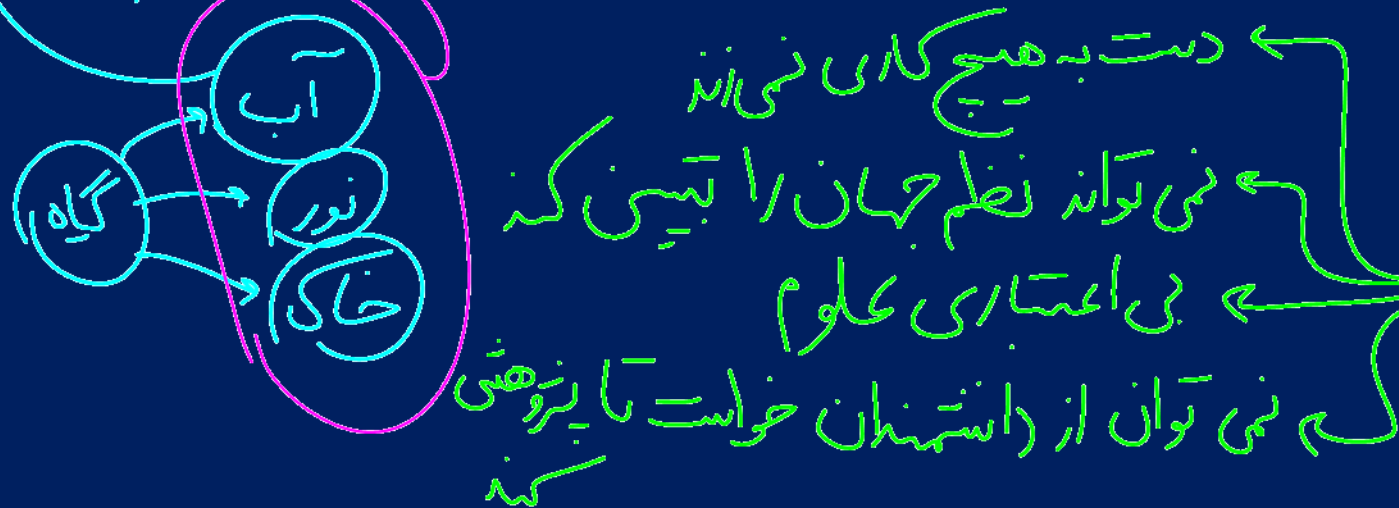
معانی اتفاق:

معنای اول: نفی اصل وجوب

معنای دوم: نفی اصل سنخیت

معنای سوم: نفی غایت‌مندی جهان

معنای چهارم: رخداد پیش‌بینی نشده (شانسی)



دست به هیچ کاری نمی‌زنند
نمی‌توانند نظم جهان را تبیین کنند
بی‌اعتباری علوم
که نمی‌توان از دانشمندان خواست تا پژوهشی
کنند

معنای سوم اتفاق:

~~معنای سوم~~

✓ گروه اول: معتقد به علت نخستین / معتقد به هدفمندی جهان

✓ معنای سوم

~~گروه دوم: منکر علت نخستین / نفی غایتمندی جهان~~

~~گروه سوم: منکر علت نخستین / معتقد به هدفمندی جهان و در پی تعیین آن~~

نقد گروه سوم:

هدف نمی تواند پس از پیدایش تعیین شود زیرا ویژگی ها باید از قبل داده شده باشد تا

متناسب با هدف باشد

معنای چهارم: هیچ مناسبتی با علت و لوازم آن ندارد

از جهت علم ناقص

سوال:

۵	با توجه به معانی اتفاق، در مثال های زیر کدام یک از موارد (سنخیت، وجوب و غایت) انکار شده است؟			۰/۷۵
نباریدن باران با پیدایش همه عوامل		یخ زدن آب بر اثر حرارت	بر خوردن اتفاقی ذرات سرگردان در فضای غیرمتناهی	
الف: نفی اصل وجوب		ب: نفی اصل سنخیت	ج: نفی غایتی	

سوال:

هر کدام از معانی چهارگانه‌ی اتفاق را متناسب با گزاره‌های زیر جاگذاری کنید. ج
(نقی وجوب علی و معلولی - نقی سنخیت^{الف} - نقی غایت‌مندی - حادثه‌ی پیش بینی نشده)

الف) آب پز شدن تخم مرغ در یخچال

ب) اعتقاد دموکریتوس مبنی بر پیدایش عناصر فعلی جهان بر اثر برخورد اتفاقی ذرات سرگردان

ج) دیدن ناگهانی معلم کلاس اول ابتدایی در پیاده روی اربعین

د) عدم رشد گیاه با وجود تمامی عوامل رشد و نبود هیچ مانعی

سوال:

با توجه به معانی اتفاق هر یک از موارد ستون (A) با یکی از موارد ستون (B) ارتباط دارد، آن را مشخص کنید.

ستون (A)	ستون (B)
الف) معنای اول (نفي ضرورت)	۱) رسیدن به گنج حین حفاری چاه
ب) معنای دوم (نفي سنخیت)	۲) باریدن برف با وجود نقص در علت تامة
ج) معنای چهارم (پیش بینی نکردن)	۳) رفع گرسنگی و سیر شدن بدون تغذیه
	۴) ساخت خانه بدون طرح و نقشه قبلی

۰.۲۵

۴

فارسى نغم

افلاطون:

- خدا نزد افلاطون خدایی معین و با ویژگی های روشن است

مثال خیر = ذات خدا

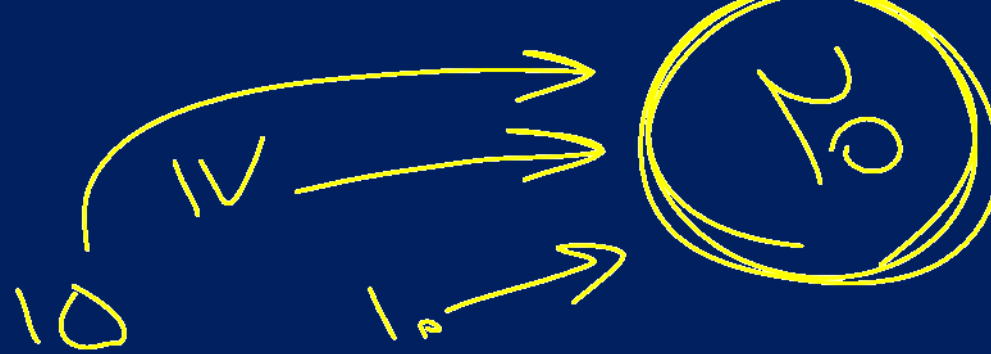
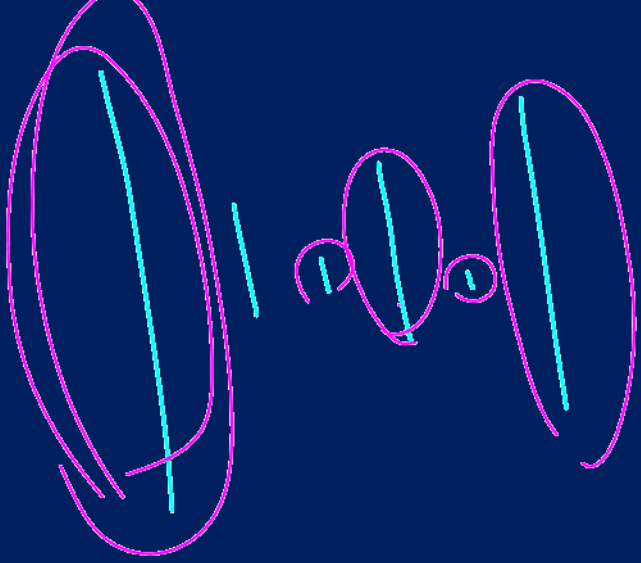
صانع (دمیورژ) = خالق بودن خدا

برهان نظم:

① هر جا که نظم وجود دارد قطعاً ناظمی بوده که نظم بخشیده است

② جهان نظم دارد

نتیجه: نظم جهان توسط ناظمی (خدا) ایجاد شده است



ارسطو:

برهان درجات کمال:

- در مقایسه بین دو چیز، یکی از دیگری خوب تر و بهتر است

- هر جا که خوب تر و بهتری وجود داشته باشد، خوب ترین و بهترینی هم هست

- در بین موجودات برخی از برخی بهترند پس باید حقیقتی که خوب ترین و بهترین است نیز

باشد که همان خداست

ارسطو:

برهان حرکت؛ (برهان مشهور)

- در عالم حرکت وجود دارد

- هر متحرکی برای حرکت نیاز به محرکی دارد

- حال اگر خود محرک نیز حرکت کند نیاز به محرک دیگری دارد

- سلسله محرک ها نمی تواند تا بینهایت ادامه پیدا کند؛ پس باید به محرکی برسد که خود متحرک نباشد

دکارت:

.....^۲ و ^۳ و ۱

من از حقیقتی نامتناهی و دانا و توانا که خود من و هر چیز دیگری به وسیله او خلق شده ایم، تصویری دارم

این تصور نمی تواند از خودم باشد؛ زیرا من موجودی متناهی ام. این تصور از هیچ موجود متناهی دیگری هم نیست

پس، این تصور از یک موجود نامتناهی است؛ اوست که می تواند چنین ادراکی به من دهد

هیوم:

- دلایل دکارت و سایر فیلسوفان پذیرفتنی نیست زیرا از را عقل به دست آمده

- عقل ادراک مستقل از حس و تجربه ندارد

- برهان نظم که از تجربه گرفته شده، توانایی اثبات یک وجود ازلی و ابدی و نامتناهی را ندارد و تنها می تواند وجود یک خالق و ناظم را اثبات کند

گانت:

*** ضرورت وجود خدا و وجود نفس مجرد را از طریق اخلاق و وظایف اخلاقی اثبات می کند**

- انسان دارای وجدان اخلاقی است

- انسان دارای مسئولیت است

- مسئولیت بدون داشتن اراده و اختیار معنا ندارد

- این اختیار و اراده نمی تواند برای جسم باشد بلکه ویژگی نفسانی است

- این نفس مجرد برای سعادت دائمی خود به جهانی ماورای طبیعت نیاز دارد

- وجود چنین جهانی مشروط به وجود خدایی جاودان و نامتناهی است

باور به خدا و معنای زندگی

~~تجربه کرگور~~

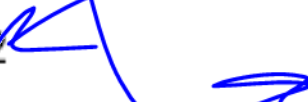
ویلیام جیمز؛ دلیل وجود خدا عمدتاً در تجربه های شخصی درونی ما نهفته است
کی یرگور

کرگور؛ ایمان هدیه ای الهی است

کاتینگهام؛ باور به خدا زندگی را با ارزشی و با اهمیت می سازد

سوال:

هر یک از عبارات زیر، نظر کدام فیلسوف درباره خدا است ؟ 1400 خرداد

- الف) نوعی از هستی وجود دارد که پیوسته ثابت است. 
- ب) تصور انسان از یک موجود علیم و قدیر و نامتناهی از جائب خداوند داده شده است. 
- ج) ایمان هدیه ای الهی است که خداوند به انسان عطا می کند. 
- 1- کرگور 
- 2- افلاطون 
- 3- کانت 
- 4- دکارت 

سوال:

هر یک از عبارات زیر ، نظر کدام فیلسوف درباره خدا است ؟ 1400 شهرپور

الف) وجود حرکت در عالم ، نیازمند یک محرکی است که خود آن ، حرکت نداشته باشد.

1- کانت

2- ارسطو

ب) وجود جهانی ماورای دنیای مادی ، مشروط به وجود خدائی جاودان و نامتناهی است.

3- افلاطون

سوال:

هر یک از گزاره های زیر با نظر کدام فیلسوف در مورد خداوند ، ارتباط دارد ؟ 1402 شهریور

1- افلاطون

2- کرکگور

3- دکارت

4- ارسطو

5- کانت

الف) ضرورت وجود خدا از طریق اخلاق و وظایف اخلاقی قابل اثبات است.

ب) تصور من از یک موجود نامتناهی ، از خود من و هیچ موجود متناهی دیگر نیست

ج) وجود حرکت در عالم ، نیازمند محرکی است که خود آن ، نامتحرک است

د) ایمان ، هدیه ای الهی است که خداوند به انسان مومن می بخشد

سوال:

با توجه به اسامی داخل کادر، دیدگاه های زیر درباره «خدا» مربوط به کدامیک از این فلاسفه است؟ (یک مورد اضافی است)

فارابی - دکارت - ویلیام جیمز - ملاصدرا - کاتینگهام - افلاطون - برگسون

الف) کار خدا هدفدار است و بر اساس هدف و حکمتی خاص صورت می گیرد.

ب) وجود خداوند عمدتاً در تجربه های شخصی درونی نهفته است.

ج) قبول خداوند زندگی ما را در بستری قرار می دهد که آن را با ارزش و با اهمیت می سازد.

د) تصور من از حقیقتی نامتناهی، از خود من متناهی و هیچ موجود متناهی دیگر نیست، پس این تصور از یک وجود نامتناهی است.

ه) همه موجودات و واقعیات جهان عین وابستگی و نیاز به خدا هستند و این نیازمندی، سراسر وجود آنها را فراگرفته است.

و) چون که هر معلولی نیازمند علت است؛ پس سلسله علت های این جهان باید منتهی به علتی شود که خود نیازمند علت نیست.

مدرسة

فارابی:

علت مقدم بر معلول است

اگر علت خود معلول باشد نیامدنی علی دیگر است
اگر علت دوم نیز معلول باشد باز نیامدنی علی دیگریم
پس باید سلسله علت ها به علی ختم نشود که
دیگر معلول
نباشد

* محال بودن تسلسل علل نامتناهی

* تسلسل علل نامتناهی به این معناست که آغاز و ابتدایی در کار نباشد

و هیچ چیز پدید نیاید

ابن سینا: امکان ماهوی

* وجوب و امکان

- ① پدیده‌ها ذاتاً ممکن‌الوجود هستند و وجودشان از خودشان نیست
 - ② هر پدیده‌ای برای به‌وجود آمدن نیازمند پدیده‌آورنده‌ای است که خودش پدیده نباشد
- نتیجه: هرگز برای پدید آمدن نیامنده واجب‌الوجود بالذات هسته

ملاصدرا: امکان فقری

* فقر و نیازمندی

- ① به پدیده ها که نگاه می کنیم عین نیاز و وابستگی هستند
- ② هر نیازمندی برای رفع نیاز باید به یک بی نیاز مطلق متصل شود
- نتیجه: موجودات برای رفع نیاز خود باید به غنی بالذات متصل باشند

مسلمانان و معنای زندگی

معیارهای زندگی معنادار:

- ۱- جهان را غایتمند بداند و این غایتمندی را توضیح دهد
- ۲- انسان را موجودی هدفمند بشناسد و این هدف را مشخص کند
- ۳- برای انسان گرایش به خیر و زیبایی قائل شود و بداند که این خیر یک امر خیالی نیست بلکه در یک حقیقت متعالی وجود دارد
- ۴- آرمان های مقدس و فراتر از زندگی مادی را معتبر و درست بداند
- ۵- در برابر یک وجود متعالی و برتر احساسی تعهد و مسئولیت نماید

جانشیر

WF



 Javanshir__ali

 Javanshir_ali